



خیلواکی

استقلال

www.esteqlaal.net

پنجشنبه ۳۰ نوامبر ۲۰۲۳

حمید انوری

کورس اخبار

درس سوم

استاد سخن " محمد آصف فقیری "

شاگرد غبی: خودم

"استاد سخن": متن ذیل را به دقت مطالعه نموده، اغلاط املائی و انشائی آنرا نشانی کرده اصلاح نمایند. به محتوی و معنی و تفسیر و تحلیل آن کاری نداشته باشید که فقط باعث درد سر است.

محمد آصف فقیری ۲۸/۱۱/۲۰۲۳

حضور، روح دین! (؟!)

مباد هستی و فرجام یا سلب اراده (اراده) آزاد ما و آن سفری بسوی خودش، و این هستی امروزی در علوم تجربی نهایتاً نیرو و انرژی دانسته شده، و فلسفه قدم داناتر بسوی شناسایی حضور می نهد، که جوهر می گوید (؟!). و در دین اسلام وجود لایزالی خود را نور گفته، و جواب تمامی چون و چرا ها که در قلوب مجذوب خود می کند جاذب، (؟!) و نه اینکه قلب بتواند یا قادر است به دریافت حضور، بلکه گل جز خود را، که روح ما است در قلب ما، جذب خود می کند (؟!). و این سیر مجذوب شدن در مقصد، (؟!) در عمر ابدی یا زندگی پسا مرگ هم پایانی ندارد. حالا پدیداری حضور اینکه: هر آن عمل که غایتش یا نتیجه عمل به نفع بشریت در دنیا قابل محسوس و ملموس نشود، (؟!) هرگز آن عمل نفع به آخرت محسوب نمی شود. زیرا حسنه (حسنه) دنیا و آخرت ربط منطقی دارد، که اینجا پدیدار شود. زمانی اهداف بدست می آید که از عمق و ژرف عقل یا تحقیق تز یا نهاد شود، (؟!) و نتیجه معقول خود اهداف، چندین تز یا نهاد های دیگر می کند، (؟!) و نسل در نسل از فیض آن مستفید می شود و از اینجاست که حسنه (حسنه) آخرت را استنتاج می کنیم .

غزل:

الحاق عقل و عشق !

تلفیق عقل و عشق را کجاست؟

مصلحت این دو، یک وجود ماست

کشف ممکنات، چو کاوش مطلق

که آغا بی انجام، در شوق لقا است

نور عقل و نار عشقش، کز دم دمه‌های او

کز فنای وحدت، کثرتش کی جداست

رونق یکسانی، یک تن و یک جوی او

قطره ام ز دریا، او درون گوهرهاست

در وجود موجود، و ز فنای محبوب

صد سجود و رجوع، در خمی ابروست

نه فقر بتو فقیری، از غنایش مستوری

در هیچ گر مپیچی، این فنا بقاء دوست

مطلب فوق گرفته شده از اثر فلسفی عرفانی (اراده اراده) قدرت ایمانی (از: محمد آصف فقیری امروز ۲۸ نوامبر که سالروز تولدم هم است و ۳۱ ساله شدم – امیدم بر آنست که حق بر باطل که پیروز می شود راه در عمر دنیایی خود در کشورم افغانستان (افغانستان) ببینم (ببینم – اشتباه تایپی) و آن پیروزی عقلانیت بر تحجر.

یادداشت شاگرد غبی: در این درس نسبت به درس های قبلی غلطی های املائی و انشائی کمتر به مشاهده رسید، چون متن مورد نظر کمتر از نیم صفحه بود، اما واقعاً اگر به معنی و مفهوم و جمله بندی ها دقت می شد و تلاش صورت میگرفت تا به مفهوم متن پرداخته آید، دل انسان از هرچه نظم و نثر دری است میگرفت.

ناگفته نگذارم که استاد ما کتاب های "فلسفی- عرفانی" می نوشته اند و ما اطلاع نداشته بودیم. سقراط و افلاطون و بیدل و مولانا در این عصر حاضر در کنار ما حضور دارند و ما بیخبر افتاده ایم.

ختم درس سوم